# «سفیانی» و «خسف بیداء» کلیدی مهم در نظام فکری شیعه

**شاگرد۲**: راجع به اعتقادات شیعه چه نکته‌ای مد نظرتان بود؟

**استاد**: میخ مسأله غیبت و ظهور را از زور اول پیامبر خدا کوبیدند. حرفها را زدند. آیه قرآن آمده است. حالا به صرف اینکه ابو مسلم آمد و ولوله اجتماعی شد بگوییم «نقدر ان یؤول الامر الیک». حضرت می‌فرمایند خب پس این مسائل کجا رفت؟! منظور من این بود. حضرت می‌گویند از زور اول جد ام و خود ام به شیعه نظام دادیم. «أُفٍّ أُفٍّ لَا أَنَا لِوَلَائِهِ بِإِمَامٍ». این تعبیری خیلی مهمی است؛ «لِوَلَائِهِ»؛ شوخی نیستند. سدیر بود و ...، این همه انام از کوفه به معلی داده بودند که خادم حضرت بود.

**شاگرد**:...

**استاد**: یاد فرمایش آسید محمد فشارکی افتادم. عالم بزرگی بودند. هم بحث آسید محمد هستند که صاحب ترتبان. ایشان خوابی دیده بودند. در آن خواب دیده بودند صف طولانی‌ای از علماء هست. گفتند چه خبر است؟ چرا علماء اینجا ایستاده‌اند؟ گفتند سر صف را نگاه کنید، آن جا امام صادق علیه‌السلام نشسته‌اند و اینها را دقیق از ایشان می‌پرسند؛ چرا اینجا این فتوا را دادی؟ اینجا که به این صورت نبود، چرا به این نگاه نکردی؟ سید فرمودند دیدم حضرت به این زودی ها در نمی‌شوند! سید فرمودند در خواب با خودم گفتم خدایا اگر من با هر کسی هم بحث می‌کردم پیروز می‌شدم با امام صادق علیه‌السلام نمی‌توانم بحث کنم و پیروز بشوم!

## نفقه زن و فقر او

**شاگرد**: خانمی که واجب‌النفقه شوهر خود است، فقیر حساب می‌شود؟

**استاد**: اگر شوهر بالفعل به او نده ولی نفقه زوجه دین بر زوج است، اما این دین منافاتی با فقر او ندارد. الآن او گرسنه است. الآن محتاج است. فقر بالفعل مجوز این هست که شما به او بدهید.

**شاگرد**: شوهرش به او هر روز نفقه می‌دهد.

**استاد**: گاهی او نیازهایی دارد که واجب شرعی است و شوهر به او نمی‌دهد. باز دراین‌صورت می‌شود. مثلاً مرجع زوج می‌گوید فلان دارو را واجب نیست شوهر به او بدهد. در بعضی موارد اختلاف در فتوا می‌شود. لذا شوهر هم به او نمی‌دهد. اما وقتی نگاه می‌کنید می‌بینید معالجه‌ای است که او نیاز دارد،

اما شرعا بر او واجب نیست و او هم نمی‌دهد، در اینجا باز واجب می‌شود. یعنی زوجه فقر عرفی داشته باشد؛ با اینکه صدق عرفی فقر می‌کند اما در محدوده‌ای است که وراء نفقه واجب زوج باشد، اگر اینچنین باشد باز فقر بالفعل است و می‌تواند بدهد.

**شاگرد**: مثلاً زوجه می‌خواهد که زوج برای او لباس بخرد یا گل بخرد اما شوهر این کار را نمی‌کند.

**استاد**: اگر در شأن او است، مانعی ندارد. گاهی کسی است که باید به جایی برود و ضرورت عرفیه دارد، از آن طرف هم اصلاً ممکنش نیست که نبرد، وهن او است و کاملاً اذیت می‌شود. اینجا هم صادق است و فرقی نمی‌کند. فقر یعنی درآمدی که او دارد کفاف هزینه او را نمی‌دهد. هزینه یعنی آن چه که مطابق شأن و نیاز معیشت او است.

56:39

**شاگرد**: اگر شک داشته باشیم چه؟

**استاد**: اگر شک داشته باشد باید احراز کند. چون شرط، فقر است لذا باید آن را احراز کند.

**شاگرد۲**: وقتی رؤیت غامض شد می‌توان بحث انسداد را مطرح کنیم؟ یعنی بگوییم به واقع آنکه نمی‌رسیم لذا ظنون خاصه هم نسبت به ظنون دیگر اولویتی ندارند، لذا باید به مسیری برویم که به آن سمت می‌رود.

**استاد**: فرمایش شما درگیری با کسانی است که می‌گویند «المسالة الاصولیة لابد فیه من الیقین». فرق فقه و اصول را این می‌دانند. از چیزهایی است که زیاد هم تکرار می‌شود. می‌گویند مسأله اصولیه با ظن و حجت خاص کافی نیست. «لابد فی المسالة الاصولی من الیقین». معروف است که این را می‌گویند و خیلی هم می‌توانند محل کلام باشد. آنها می‌گویند در اصول که ظن خاص را می‌گوییم، به حجیت این ظن خاص بیقین می‌رسیم. اگر این را بپذیریت و صاف شود و جلو برود، خب جواب حرف شما داده شده است. کما اینکه خیلی می‌شود مناقشه کرد؛ در اینکه در خیلی از جاهایی که شما یقین را می‌گویید، محقق نمی‌شود. آخرش هم اولویت است. اگر اولویت شد صحبت سر این است که اخذ به اولویت در اینجا لزومی است یا نه.

**والحمد لله رب العالمین**

---

بازبینی #1
ایجاد شده 14 مه 2026 14:59:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2026 15:00:29 توسط ... .